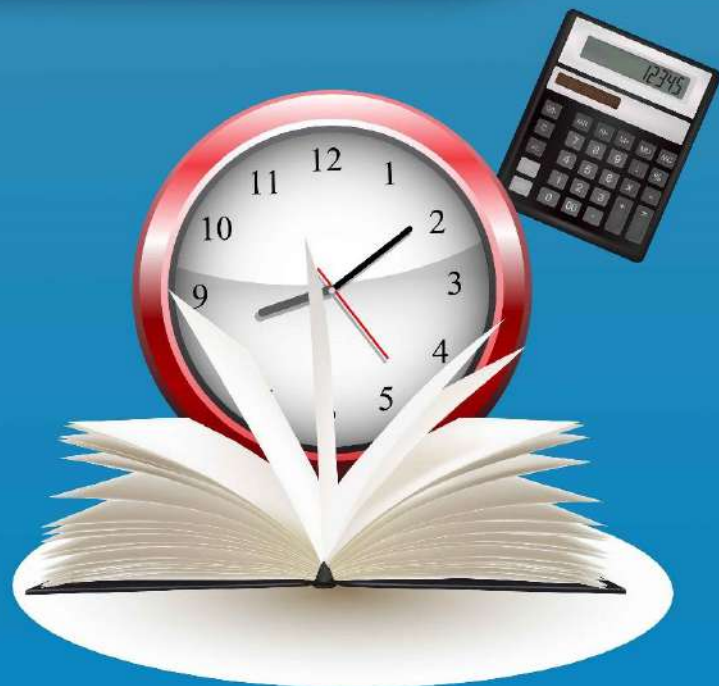


Kankor Widget

ایزار کانکور

جدیدترین تکنالوژی آموزشی در سطح کشور

مشهورترین دانشمندان و مخترعان دنیا



مشهور ترین دانشمندان و مخترعان دنیا

برادران رایت: هواپیما که وسیله ای راحت برای سفر کردن است هم از جهانی موجب هدر رفتن وقت می شود ولی خطر های زیادی دارد که باید به جان خرید. وسیله ای که ما با آن به راحتی از این سر دنیا به آن سر دنیا سفر می کنیم افراد زیادی برای ساخت آن زحمت زیادی تحمل کردند ناموفق به اختراع درست آن شدند برادران رایت به نامهای:

✓ ویلبر

✓ لورویل

پسران کشیش میلتن رایت از اولین کسانی بودند که موفق به ساخت هواپیمای بی نقص شدند. پدر آن ها به آنها یک اسباب بازی داده بود که از جنس، کاغذ، نی چوب پنبه ساخته بود و تاسقف خانه پرواز کرد، و همین هیجانی شد تا آن ها به فکر بیافتند که وسیله ی بزرگتری درست کنند که در آسمانها هم پرواز کنند. وقتی که اوریول به سن ۱۷ سالگی رسید شروع به تاسیس یک چاپخانه کرد که خیلی سریع شهرت یافت ولی به علت روی کار آمدن یک نشریه قوی آنها دیگر به کار چاپ ادامه ندادند و به ساختن دوچرخه مشغول شدند تا اینکه در یک روزنامه آلمانی خواندن یک جوانی آلمانی به نام گستاو لیلینتال روی هواپیما کار می کند و کنجکاو شدند تا اطلاعاتی دست یابند اما بعد ها خبر رسید که در یکی از پرواز ها سقوط کرد و جان خود را از دست داده.

یک روز ویلبر با دیدن یک جعبه با کنار های خمیده در مغازه دو چرخه فروشی به سرش زد که بالهای هواپیما را به شکل جعبه بسازد. سر انجام در روز ۱۷ دسامبر در سال ۱۹۰۳ اوریول رایت از بالای تپه ای هواپیما خود را با ۱۲ اسب بخار به پرواز در آمد که ۱۲ ثانیه در آسمان ادامه یافت و به اندازه ۱۰ فوت بالا رفت و مسیر هفت متری را به با موفقیت طی کرد.

ویلبر در سال ۱۹۱۲ بر اثر بیماری تیفوئید در گذشت و ویلبر مجبور به تنهایی به ادامه کار شد و او در زندگی خود شاهد افزایش سرعت هواپیما از ساعتی ۳۰۰ میل تا سرعت مافوق مدت بود. هواپیمای برادران رایت در موزه هوافضا در واشنگتن نگهداری و در معرض عموم بود.

ایوان پتروویچ پاولف

پاولف در شهر «ریازان» در سال ۱۸۴۹ م در روسیه مرکزی دیده به جهان گشود. وی یکی از بزرگترین دانشمندان فیزیولوژیست نادر و برجسته ترین شخصیت دوران حیات خود می باشد که در سراسر دنیا مورد توجه قرار گرفت. او پسر یک کشیک بود و در مدرسه ی مذهبی به تحصیل طب در دانشگاه سن پترزبورگ در دانشگاه روسیه در پزشکی مشغول شد و در سال ۱۸۷۹ مدرک خود را دریافت کرد او در رشته فیزیولوژی گردشی خون اقدام کرد و بعد به عضویت در مانگاه امراضی داخلی پذیرفته شد. پاولف به دستور رئیس در مانگاه مامور تهیه و تنظیم سازمان آرنایشگاه فیزیولوژی شد. پاولف بیشتر آزمایشهای خود در آنجا با وسایل بسیار ساده که بیشتر آن را با حقوق خود خریداری کرده با پشتکار زیاد انجام میداد. تحقیقات علمی وی در زمینه فشار خون به دوستان تقسیم می شود:

اول: از دهه ی قرن نوزدهم تا سال ۱۹۰۲ آزمایشهای او در باره ی لوله های غذایی و از سال ۱۹۰۲ تا زمان مرگش در باره ی فعالیتهای عصبی بود. بزرگترین کشف پاولف انعکاسی شرطی بود که آن را روی سگ خود انجام می داد وی سگ را در اتاق خالی گذاشت و هر

روز زنگی را در ساعات معین به صدا در می آورد و بعد از آن برای سگ غذا گذاشت و سگ با دیدن غذا دانش پر آب می شد این کار چند بار تکرار شد و یک بار زنگ را در همان ساعت به صدا در آورد ولی برای سگ غذایی گذاشت اما سگ با شنیدن صدایی آن دهانش آب می افتد و پاولف فهمید سگ در برابر صدایی آن شرطی شد.

او فرضیه دیگری هم به اثبات رساند از اینکه فعالیت های بدن بوسیله سلسله اعصاب کنترل می شود. پاولف در قرن ۱۹ معروفترین دانشمند فیزیولوژی شناخته شد و جایزه نوبل در سال ۱۹۰۴ دریافت کرد. در سال ۱۹۰۷ به عضویت فرهنگستان علوم روسیه آمد و مدیر انیستیتوی فیزیولوژی فرهنگستان شد و در سال ۱۹۳۶ م در سن ۸۷ سالگی بر اثر ذات الریه چشم از جهان فروبست.

الکساندر فلمینگ

الکساندر فلمینگ در جنوب غربی اسکاتلند به سال ۱۸۸۱ م دیده به جهان گشود. و ده ساله بود که به مدرسه (لودان) وارد شد بعد وارد مدرسه (دارول) که برادرش در آنجا مشغول به تحصیل بودند وارد شد. و دکترای خود را در دانشگاه لندن در سال ۱۹۰۸ در رشته ی طب دریافت کرد. الکساندر فلمینگ اولین کسی بود که به کمک سالوار سان اقدام به درمان سفلیس از طریق شیمی درمانی نمود. او در سال ۱۹۲۸ مشغول به بررسی میکروبی به نام پنی سیلین بود که با استفاده از یک بشقاب آزمایشهای ضد باکتری خود را انجام می داد. یک روز پس از برداشتن در پوش ظرف متوجه شد کپکهای خاصی روی ظرف بسته او پس از توجه دقیق در یافت که هر کجا قارچ می کند باکتری کشته شده و هیچ باکتری تازه ای رشد نکرده است این قارچ حاوی چرک از جراحی های عفونی است. او کشف خود را پنی سیلین نام نهاد. این قارچ از خانواده ی کپکها بود اما به دلیل ضعف مالی وی «پروفسور فلوری» و «دکتر چین» حاضر شدند آزمایشات او را ادامه دهند و بعد از آزمایشاتی بر روی حیوانات معلوم شد که این ماده بر روی انسانها مفید می باشد. و خطری ندارد. در سال ۱۹۴۱ فلوری به کمک فلمینگ مقدار زیادی پنی سیلین تولید کردند و در جنگ از آنها استفاده شد و به این طریق جان بسیاری از سربازان را نجات دادند. فلمینگ دریافت که این ماده برای از بین بردن میکروب ها و جلوگیری از رشد آنها قابل استفاده است. و او در سال ۱۹۴۵ موفق به کسب جایزه نوبل گردید. و سرانجام در سال ۱۹۵۵ م در لندن چشم از جهان گشود.

اونجلیستا توریچلی

این فزیکدان و ریاضیدان ایتالیایی در ۱۵ اکتبر ۱۶۰۸ م دیده به جهان گشود. تحصیل چشم گیرش در کالج «ژزوئیت» به حدی بود که عمویش در ۱۶ سالگی برای تحصیل علوم نرد (بندتی کاتسلی) در شهر روم فرستاد کاتسلی از شاگردان گالیله بود که در کالج اسپینتا تدریس می کرد. کاتسلی مقاله ی تورینچیلی که در خصوص ابزار پرتاب بود نزد گالیله فرستاده و او از نبوغش سخت تحت تاثیر قرار گرفت وی او به مرور زمان عمر توانایی بینایی خود را از دست داد تا از وجودش استفاده کرد. و این فرصت سه ساله طول نکشید تا گالیله در گذشت.

یکی از ثروتمندان ایتالیا که می خواست از عمق ۳۰ متری زمین آب استخراج کند ولی با وسایل موجود قادر به حفر ۳۰ متر نبودند. تورینچلی پس از ۲ سال تلاش از اعمال زمین آب استخراج کرد و باعث شهرت وی شد. در سال ۱۶۴۳ تورینچلی برآن داشت تا تحقیقات و آزمایش را به صورت عینی مورد مطالعه قرار دهد. تورینچلی لوله ی شیشه ای که یک طرف آن بسته بود پر از جیوه کرد، بعد انگشت خود را بر دهانه ی لوله قرار دهد را بر طشتکی پر از جیوه فرو رفته بود. انگشت خود را برداشت و دید که سطح جیوه در لوله پائین آمد

و در ارتفاع ۷۶ سانتی بالای طشتک متوقف شد. او از آزمایش دریافت که علت پائین نیامدن کامل جیوه در لوله بر اثر وزن هوا بر طشتک می باشد که با وزن این مقدار جیوه تعادل ایجاد می کند هر چند که خلای که تورپچلی ایجاد کرده بود یک کرده بود یک خلا کامل نبود و شامل مقداری بخار جیوه و هوا عملاً به ایجاد خلاء دست یافته بود.

وی دریافت که ارتفاع جیوه هر روز تغییر میکند و با در نظر گرفتن ارتفاع جیوه می توان فشار هوا را تعیین کرد و بدین ترتیب اوموفق به ساخت اولین فشار سنج شد. سر انجام در ۲۵ اکتبر ۱۶۴۷ در حالیکه بین ۳۰ تا ۳۹ سال بیشتر نداشت در فلورانس چشم از جهان فرو بست .

ژان لوران دالامبر

این ریاضیدان معروف فرانسوی در سال ۱۷۱۷ میلادی دیده به جهان گشود. در یک روز سرد زمستانی شیشه بری که از کنار کلیسای ژان _ لورون عبور می کرد کودکی را در جلوی در کلیسا دید که از سرما به خود می لرزید به خانه برد و از زنش خواست تا مواظب آن کودک باشد. و آن زن نیکوکار او را مثل فرزند خود پرورش داد و دالامبر نیز در تمام عمر خود نسبت به وی مدیون بود زمانی که وی دانشمند بزرگی شد مادر اصلی دالامبر در صدد بر آمد تا وی را نزد خود برگرداند ولی دالامبر با کمال سربلندی گفت : (مادر من همان زن شیشه بر است نه شما).

او در سن ۲۲ سالگی مقاله ای در زمینه ی حساب انتگرال نوشت. این مقاله باعث شد تا با عضویت آکادمی علوم در آید وی در زمینه ی مکانیک در ۱۷۴۳ نوشت وی در این کتاب به تشریح اصلی که به (اصل دالامبر) معروف می باشد پراخته است . مفهوم آن « قانون سوم نیوتن در باب حرکت » می باشد. در مورد قوای وارد بر اجسام که به کلی در حرکت آزاد باشند یا اجسام حمایتی در حال تعادل پایدار باشند، بر قرار است .

این اصل در کانیک اهمیت فوق العاده ای دارد. دالامبر گفته بود : وقتی جسمی حرکت ایجاد می شود تساوی یا تعادل و جود دارد یعنی اجسام در حال تعادل است از کار های علمی دیگر او عرضه داشتن قضیه دالامبر است بر طبق این قضیه هر معادله جبری یک جواب (اعم از حقوقی یا موهومی) دارد. اصل دالامبر کلیه معجزه آسایی بود که وی از آن در قوانین مکانیک مایعات استفاده کرد و در سال ۱۷۵۶ برای بررسی در علل باد ها به کار برد و آن را به « پادشاه پروسی » هدیه و مقاله ای سالیانه برای وی تعیین کرد. دالامبر برای تهیه (دایرة المعارف فرانسه) با (دیدرو) همکاری نزدیک داشت. وی در سال ۱۷۸۳ م دیده از جهان فرو بست و کتاب معروف خود را که ستون فقرات دینامیک به حساب می آمد به یادگار گذاشت .

جورج سیمون اهم

وی در سال ۱۹ مارچ ۱۷۸۷ م در شهر باواریا در جنوب شرقی المان دیده به جهان گشود. اهم، پسر قفل سازی بود که به علم علاقه زیادی داشت و سعی کرد به تحصیل علم بپردازد. او در سال ۱۸ سالگی موفق شد در یکی از نواحی برن سوئیس به عنوان معلم ریاضی مشغول باشد و او سر انجام در سال ۱۸۱۱ به درجه ی دکترای ریاضی نایل شد و او استاد ریاضی کالج ژزوئیت کلن رفت. اهم تیوری ریاضی جریان الکتریکی را در سال ۱۸۲۷ بیان نمود و قوانین مهم الکتریسیته بود و در شهرت وی سهم مهمی داشت وی با استفاده از فرمولی ولتاژ و آمپیر را بامقاومت الکتریکی ارتباط داد . او با استفاده از سیم های با طول و ضخامت متفاوت دریافت که مقدار جریان

برقی که از آنها عبور می کند با طول سیم نسبت معکوسی و مقطع آن نسبت مستقیم دارد. اهم موفق شد نظریه شد نظریه ریاضی جریان برق را کشف و با کمک فرمول به هم ربط دهد و به این ترتیب قانون اهم را به عالم علم تقدیم کند.

قانون اهم ، اختلاف پتانسیل (بر حسب ولت) بین دو انتهای یک جسم مادی که برق در آن جریان دارد مساوی حاصل ضرب شدت جریان (بر حسب آمپر) در مقاومت (بر حسب اهم) آن جسم است. چون کشف او مخالفت های زیادی را در پی داشت و تنها از طریق آزمایشی میتوانست درستی آن را ثابت کند ولی این مخالفت ها در حدی بود که او حتی از تدریسی استعفا داد زمان زیادی نگذشت تا دانشمندان انگلیسی به اهمیت آن پی بردند و در سال ۱۸۱۹ او عضو انجمن سلطنتی شد و به عضویت در آمد در آلمان مورد ستایشی قرار گرفت به عنوان استاد دانشگاه مونیخ در آمد و او ۵ سال آخر عمر خود را با احترام و عزت سپری کرد و سر انجام در سال ۱۸۱۸ انجمن مهندسان برق جهان در پاریس به پاس زحمات وی واحد مقاومت الکتریکی را اهم نام نهادند. و در سال ۱۸۵۴ در مونیخ در سن ۶۷ سالگی چشم از جهان فرو بست.

چالرز رابرت داروین

این دانشمند طبیعی دان در یکی از شهر های انگلستان در سال ۱۸۰۹ م متولد شد، او بر خلاف پدر و پدر بزرگش هیچ علاقه ای به طب نداشت. داروین بیشتر به تاریخ طبیعی علاقه نشان داد و علاقه ای وی به این رشته باعث شد تا عمیق تر به مطالعه و تحقیق در این رشته بپردازد .

او در سال ۱۸۳۱ به عنوان دانشمند طبیعی دان به همراه محققان به امریکا و جزایر غربی و اقیانوس آرام سفر کرد. این سفر ۵ سال به طول انجامید و در این سفر مطالعاتی در باره ی جانوران و سنگواره های پیشین انجام میداد وی در باره ای گردن دراز زرافه می گویند : از میان حیوانات آنهای که گردنشان دراز است به غذایی بیشتری دسترسی دارند و در مواقع کمبود غذا امکان زنده ماندن برای این حیوانات بیش تر است. و فرزندان آنها با گذشت زمان نوعی از حیوانات گردن دراز به وجود می آیند.

صورت داروین مقدار غذا و آب موجود، دما و فشار جو و زیاد شدن گیاهان و حیوانات، نزاعی بین نسلها صورت می گیرد و آنهای که با محیط ساز گاری دارند باقی مانده و نسلهای قدیمی از میان می روند. به این ترتیب وی نظریه طبیعی را بیان کرد و هدف این نظریه انتخابی است که طبیعت از برترین نسلها و حیوانات و گیاهان دارد.

کتاب معروف وی به نام بنیاد (بنیاد انواع) در سال ۱۸۵۹ نوشت که پس از انتشار آن میان دو گروه مخالف و موافق جدال در گرفت. کتاب دیگر وی که شهرت جهانی یافت که در سال ۱۸۷۱ نگهداشت با نام (پیدایش انسان) منتشر شد او کتابهای دیگری هم نگاشت که نشانه ی قدرت تفکر و اندیشه او بود، در سال ۱۸۸۲ م سر انجام دیده از جهان فرو بست.

ابو نصر فارابی

این فیلسوف معروف یونانی از نواحی ترکستان در ۲۵۷ م دیده به جهان گشود، او مشهور به معلم ثانی بود وی از همان دوران کودیکی به زبان فارسی و ترکی آشنایی کافی داشت. او که زبان عربی را که زبان علم و فرهنگ اسلامی آن زمان بود برای یادگیری علوم و فنون آن تلاشی کرد تا آن را فراگیرد و به بغداد سفر کرد.

وی در بغداد نزد ابوشر که در زمان شهرت زیادی در بین مردم بود و کتابهای ارسطو را تشریح و تدریس کرد، و صد ها شاگرد آمدند تا به شرح رساله های ارسطو برای شفاهی بیان کند تا ایشان بنویسند، حضور یافت و به تحصیل منطق ارسطو پرداخت و او در ردیف بزرگترین فلاسفه تاریخ قرار داد. چون ابن سینا در محضر فارابی به فراگیری علم و دانش پرداخته بود و از شاگردان معروف او بود و او را معلم ثانی می نامیدند.

وی علاوه بر فلسفه و منطق و ریاضیات و علوم در رشته ی موسیقی هم فعالیت داشت و سه تار، را فارابی ساخت و خودش آن را می نواخت. فارابی در رشته ی کیمیا با « جابر » و « رازی » هم فکر بود و در زمینه ی رساله مفید و مختصر نوشت که به رساله ی فی وجوب مناعه الکیمیا می باشد و سرانجام در سال ۳۳۸ هجری قمری وداع گفت.

توماس الوادیسون

وی در شهر کوچک میلان در ۱۵ فوریه ۱۸۴۷ به دنیا آمد. او مدت ۵ سال تحصیل کرد و مادرش او را به کار تشویق می کرد به دلیل ناشنوایی معلم اش او را دانش آموزی کند ذهن می دانست و مادرش به عنوان دوست به اندیشه و تفکر او واقف بود. وی به روزنامه فروشی روی آورد و به عنوان یک کارگر در راه آهن دیترویت و پورت هارون به کار مشغول شد. او روزنامه ای منتشر کرد که اولین نسخه نشریه اش در سوم فوریه ۱۸۶۲ انتشار یافت . در سال ۱۸۷۳ تلگراف اختراع کرد که برای عموم قابل باور بود.

ادیسون در منیلو در سال ۱۸۷۶ ملکی را خریداری کرد و در آن یک کارگاه بزرگ با تمام تجهیزات ساخت، او به دلیل کشفش به عنوان جادوگر منلو پارک شناخته شد. پروفیسور پارکر در سال ۱۸۷۸ لامپ زغالی را به ادیسون نشان داد و بزرگترین اختراع خود را در سال ۱۸۸۰ به ثبت رسانید.

به دنبال آن در منلو پارک کارخانه ای به ساخت لامپ های برقی اقدام کرد. بعد از اختراع بزرگ گرامافون و دنبال آن کینه توسکوپ (دوربین اولیه سینما) اختراع کرد. و او همیشه عاشق کارکردن بود که در ۱۸ اکتبر ۱۹۳۱ در ۸۴ سالگی چشم از جهان گشود.